



مبانی جغرافیای فرهنگی

(رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)

دکتر محمدرئوف حیدری فر دکتر سهراب عسگری دکتر پرویز سلیمانی

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پربار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز از این وضعیت بارها اظهار گله و ناخشنودی نموده‌اند.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان، تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «إِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب

نه	پیشگفتار
۱	فصل اول: تاریخچه و مفاهیم جغرافیای فرهنگی
۱	هدف کلی
۱	اهداف یادگیری
۱	مقدمه
۲	۱-۱ جغرافیا
۳	۲-۱ جغرافیای فرهنگی
۶	۱-۲-۱ رشد و افزایش بهره‌برداری انسان از زیستگاه (بوم)
۷	۲-۲-۱ تغییرات فیزیکی ایجادشده از سوی انسان در سطح زمین
۷	۳-۲-۱ قالب‌های اسکان (نوع و شکل سکونتگاه‌های شهری و روستایی)
۷	۴-۲-۱ فرهنگ غیرمادی مانند زبان و مذهب
۹	۳-۱ ارتباط با دیگر حوزه‌های علمی
۱۰	۴-۱ سیر تاریخی جغرافیای فرهنگی (جغرافیای فرهنگی کلاسیک)
۱۶	۵-۱ جغرافیای فرهنگی در نیمه دوم قرن بیستم
۱۸	۶-۱ جغرافیای فرهنگی نو
۱۹	۷-۱ محیط و فرهنگ
۲۰	۱-۷-۱ اثر محیط بر فرهنگ
۲۳	۲-۷-۱ اثر فرهنگ بر محیط
۲۵	۸-۱ چهره‌های فرهنگی در مطالعات جغرافیایی
۲۹	۹-۱ چشم‌انداز فرهنگی
۳۳	۱۰-۱ جغرافیا، مکان و فرهنگ
۳۹	۱۱-۱ فضا و فرهنگ
۴۲	۱۲-۱ پخش فرهنگی

۴۳	۱۳-۱ ناحیه فرهنگی
۴۵	۱۴-۱ قلب فرهنگ
۴۷	۱۵-۱ اصل تفاوت‌ها و تنوع‌های فرهنگی
۴۹	۱۶-۱ فرهنگ، مکان، تنوع فرهنگی و جهانی شدن
۵۳	خلاصه فصل
۵۴	خودآزمایی فصل اول

۵۷	فصل دوم: فرهنگ و عوامل فرهنگ‌ساز و رابطه آن‌ها با جغرافیا
۵۷	هدف کلی
۵۷	اهداف یادگیری
۵۷	مقدمه
۵۹	۱-۲ فرهنگ
۶۶	۲-۲ عناصر فرهنگ
۶۹	۳-۲ ریشه‌های فرهنگ
۷۱	۴-۲ دگرگونی فرهنگی
۷۹	۵-۲ تغییر فرهنگی
۸۰	۶-۲ مفهوم بوم‌شناسی فرهنگی
۸۱	۷-۲ نقش فرهنگی
۸۳	۸-۲ سیاست فرهنگی
۸۶	۹-۲ اقتصاد فرهنگی
۸۸	۱۰-۲ عوامل فرهنگ‌ساز
۸۸	۱-۱۰-۲ دین
۹۲	۲-۱۰-۲ نژاد
۹۵	۳-۱۰-۲ قوم، ملت و سرزمین
۱۰۰	۴-۱۰-۲ زبان
۱۰۳	۵-۱۰-۲ عوامل جغرافیایی و تنوع زبانی
۱۰۷	۶-۱۰-۲ طبقه اجتماعی، فرهنگ و جغرافیای فرهنگی
۱۱۰	۱۱-۲ هویت
۱۱۳	خلاصه فصل
۱۱۵	خودآزمایی فصل دوم

۱۱۷	فصل سوم: ارزش‌ها و فرهنگ‌ها در میان جوامع و ملل
۱۱۷	هدف کلی
۱۱۷	اهداف یادگیری
۱۱۷	مقدمه
۱۱۸	۱-۳ ویژگی‌های فرهنگی تمدن مصر باستان

۱۱۹	۱-۱-۳ حکومت
۱۲۰	۲-۱-۳ طبقات جامعه
۱۲۱	۳-۱-۳ معماری
۱۲۲	۴-۱-۳ ادبیات و علم
۱۲۳	۵-۱-۳ مذهب
۱۲۶	۲-۳ تمدن چین باستان
۱۲۸	۱-۲-۳ جغرافیای فرهنگی
۱۲۹	۲-۲-۳ مذاهب
۱۳۰	۳-۲-۳ هنر و ادبیات
۱۳۱	۴-۲-۳ حکومت، تمدن و فرهنگ
۱۳۳	۳-۳ بررسی فرهنگ عمومی هندوستان
۱۳۴	۱-۳-۳ مذهب
۱۳۶	۲-۳-۳ هنر و موسیقی
۱۳۷	۳-۳-۳ زبان
۱۳۷	۴-۳-۳ ادبیات
۱۳۸	۵-۳-۳ نقاشی
۱۳۸	۶-۳-۳ معماری
۱۳۹	۷-۳-۳ صنایع دستی
۱۴۱	۸-۳-۳ آداب و رسوم
۱۴۱	۹-۳-۳ اعیاد و جشن ها
۱۴۲	۴-۳ تمدن یونان باستان
۱۴۴	۱-۴-۳ حکومت
۱۴۶	۲-۴-۳ مردم و جامعه
۱۴۷	۳-۴-۳ مذهب و زبان
۱۴۹	۴-۴-۳ پیشرفت های هنری و علمی
۱۵۳	۵-۴-۳ یونان و تأثیر آن بر تمدن روم و غرب
۱۵۴	۵-۳ هلال خصیب
۱۵۵	۱-۵-۳ فلسطین
۱۵۷	۲-۵-۳ فینیقی ها
۱۵۹	۳-۵-۳ سوریه و آرامی ها
۱۶۱	۴-۵-۳ سومر
۱۶۳	۶-۳ سایر تمدن ها در بین النهرین
۱۶۵	۱-۶-۳ زبان
۱۶۵	۲-۶-۳ مذهب
۱۶۶	۳-۶-۳ تقویم و جشن های محلی
۱۶۷	۷-۳ فرهنگ اسلامی

۱۷۲	خلاصه فصل
۱۷۴	خودآزمایی فصل سوم
۱۷۷	فصل چهارم: توسعه و فرهنگ
۱۷۷	هدف کلی
۱۷۷	اهداف یادگیری
۱۷۷	مقدمه
۱۷۸	۱-۴ توسعه پایدار
۱۸۰	۲-۴ توسعه جهانی
۱۸۱	۳-۴ جهان در حال توسعه
۱۸۴	۴-۴ کشورهای توسعه یافته
۱۸۴	۵-۴ اقتصاد و فرهنگ
۱۸۶	۶-۴ فرهنگ و تولید
۱۸۷	۷-۴ توسعه اقتصادی یا توسعه فرهنگی
۱۸۸	۸-۴ توسعه فرهنگی و فرهنگ توسعه
۱۸۹	۹-۴ توسعه فرهنگی
۱۹۱	۱-۹-۴ اهداف توسعه فرهنگی
۱۹۲	۲-۹-۴ شاخص‌های مادی توسعه فرهنگی
۱۹۲	۳-۹-۴ شاخص‌های معنوی توسعه فرهنگی
۱۹۲	۴-۹-۴ درآمد
۱۹۳	۵-۹-۴ نهادهای مردمی و پویایی فرهنگی
۱۹۵	۶-۹-۴ اهمیت رسانه‌ها در توسعه فرهنگی
۱۹۷	۱۰-۴ برنامه‌ریزی، فرهنگ و توسعه
۱۹۸	۱۱-۴ برنامه‌ریزی و توسعه فرهنگی در ایران
۲۰۳	۱-۱۱-۴ اهمیت فرهنگ از دیدگاه مقام معظم رهبری
۲۰۴	۲-۱۱-۴ اصلاح الگوی نظام فرهنگی از دیدگاه رهبری
۲۰۶	۱۲-۴ اشاعه فرهنگ و ایجاد توسعه
۲۰۶	۱۳-۴ ارزش‌های فرهنگی و تکامل و توسعه
۲۰۹	۱۴-۴ تنوع فرهنگی و توسعه
۲۰۹	۱۵-۴ تکامل، توسعه و نسبی‌گرایی فرهنگی
۲۱۲	خلاصه فصل
۲۱۴	خودآزمایی فصل چهارم
۲۱۷	پاسخ‌نامه
۲۱۹	منابع

پیشگفتار

به طور کلی شناخت رابطه متقابل جغرافیا و فرهنگ به عنوان دو موضوع مهم و پایه‌ای در علم جغرافیا قابل بررسی است که می‌توان آن را تحت عنوان جغرافیای فرهنگی مورد مطالعه قرار داد. جغرافیای فرهنگی ارتباط و تعامل دو حوزه فرهنگ و جغرافیا و تأثیرات متقابل آن دو را مورد پژوهش و بررسی قرار می‌دهد؛ بنابراین روابط و مناسبات متقابل محیط و فرهنگ گروه‌های انسانی از مباحث جغرافیای فرهنگی است. جغرافیای فرهنگی به مطالعه روابط انسان و محیط از دیدگاه فرهنگی فضایی می‌پردازد.

در این شاخه از جغرافیا تفاوت‌ها و تشابهات عناصر فرهنگی گروه‌های انسانی در ابعاد فضایی و مکانی مطالعه و بررسی تغییرات فضایی گروه‌های فرهنگی، شکل‌گیری الگوهای فضایی فرهنگ از طریق عملکردهای جامعه انسانی تجزیه و تحلیل و بر آن تأکید می‌شود. شناخت تشکیلات و واحدهای فرهنگی در مناطق گوناگون در سطح سیاره زمین از مباحث مهم در جغرافیای فرهنگی و وجود انسان به عنوان موجودی فرهنگی و تحول‌ساز در این شاخه از جغرافیا مورد توجه است. شناخت مکان‌ها، آثار و میراث فرهنگی گذشتگان، تأثیر عناصر فرهنگی همانند افسانه‌ها، ارزش‌ها، باورها و نمادها بر روابط انسانی در جوامع و کشورهای گوناگون از جمله مباحث اصلی در جغرافیای فرهنگی است. نباید فراموش کرد که مکان‌ها و نواحی صرفاً نیازمند یک کوه، دره، دشت یا رودخانه نیستند، بلکه باورهای عمیق و استوار اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی نیز در تمایز آن‌ها نقش دارد؛ به عبارت دیگر، زندگی مردم در مناطق گوناگون جهان متأثر از ارزش‌ها، آداب و رسوم، هنجارها و

سبک زندگی آن‌هاست. فرهنگ نقطه آغازین شناخت و تفسیر زندگی گروه‌های انسانی در جوامع گوناگون است. از این‌رو جغرافیای فرهنگی می‌کوشد تا ویژگی‌های فرهنگی یک سرزمین و اثرات متقابل فرهنگ مادی و معنوی انسان و محیط را در ارتباط با جغرافیای آن سرزمین کشف، بیان و تحلیل کند.

در سال‌های اخیر با توجه به پیشرفت علم و فناوری، ارتباطات فراملی، جهانی‌شدن اطلاعات و گونه‌های مربوط به فرهنگ‌های عامیانه، موسیقی، نمایش، فیلم‌های غیر محلی و عناصر، نمادها، ارزش‌های فرهنگی، دین، نژاد، زبان و قومیت اهمیت روزافزونی در زندگی اجتماعی سیاسی ما یافته‌است.

این کتاب در چهار فصل و برای دانشجویان دانشگاه پیام نور تهیه شده‌است. در فصل اول به تاریخچه و کلیات جغرافیای فرهنگی نگاهی خواهیم انداخت. فصل دوم به مطالعه فرهنگ و عوامل فرهنگ‌ساز با رویکردی جغرافیایی می‌پردازد. در فصل سوم وضعیت شکل‌گیری، ریشه‌ها، عوامل، تاریخ و روند کنونی فرهنگ در تمدن‌های باستانی چین، مصر و برخی تمدن‌های دیگر ارائه شده‌است. نهایتاً در فصل چهارم نیز به توسعه، توسعه پایدار و رابطه آن با فرهنگ و عوامل فرهنگی پرداخته می‌شود.

فصل اول

تاریخچه و مفاهیم جغرافیای فرهنگی

هدف کلی

آشنایی با جغرافیای فرهنگی، سیرتاریخی آن، ارتباط با سایر علوم و ابعاد و مفاهیم آن.

اهداف یادگیری

دانشجویان پس از پایان این فصل باید قادر باشند:

۱. با تعریف و کلیت مفهوم جغرافیای فرهنگی آشنا شوند.
۲. تاریخچه جغرافیای فرهنگی را بدانند.
۳. با جغرافیای فرهنگی نو آشنا شوند.
۴. مفاهیم ناحیه فرهنگی، چشم انداز فرهنگی و غیره را توضیح دهند.
۵. تأثیر مکان و فضای جغرافیای را بر فرهنگ و بالعکس تشریح کنند.
۶. با اصل تنوعات فرهنگی آشنا شود.
۷. فرایند پخش فرهنگی را تبیین کنند.

مقدمه

ما در دنیایی در حال گذر زندگی می‌کنیم که قوانین و نظم جغرافیایی آن به ثبات نرسیده است. از طرفی فضا و زمان به هم فشرده شده‌است و دهکده جهانی به معنای دیجیتالی و تا حدودی واقعی وجود دارد. دیگر هیچ نقطه‌ای از سطح زمین ناشناخته‌نمانده و انسان نیروی‌های طبیعی را تا حد زیادی کنترل و مهار کرده‌است. با

این همه جغرافیا، صرفاً شناخت مکان‌ها و اسامی پایتخت‌ها نیست، بلکه فلسفه و پیچیدگی‌های روزافزونی نیز دارد؛ در این میان جغرافیا در بسیاری از کشورها به سرعت در حال حرکت به سوی فهم و شناخت محیط پیرامون، حوادث و جریان‌های اطراف زندگی انسان‌ها و در مرحله بعد سعی در حل مسائل ناشی از فرهنگ و فکر انسان‌ها به مثابه دانشی کاربردی است. در این میان جغرافیای فرهنگی با برخورداری از تاریخ خاص خود نیز قواعد، مفاهیم، روندها و جریان‌های مختص به خود را دارد و به عنوان بخشی از جغرافیا به دلایلی همانند فرهنگی بودن انسان، اولویت تفاوت‌های فرهنگی نسبت به تفاوت‌های طبیعی، تحولات محیط و زندگی انسان‌ها به دلیل ایدئولوژی‌ها و افکار گوناگون، ایجاد مخاطرات ناشی از دیدگاه‌ها و مکاتب مختلف و اغلب متضاد نسبت به محیط و رابطه با سایر انسان‌ها حائز اهمیت بسیاری است.

۱-۱ جغرافیا

جغرافیا براساس قدیمی‌ترین تعاریف سطح زمین را مورد مطالعه قرار می‌دهد. جغرافیا همچنین بر اصولی اساسی از جمله تأکید بر اصل تفاوت‌ها و تنوعات جغرافیایی پافشاری می‌کند. همان‌طور که گاتمن^۱ می‌گوید اگر سطح کره زمین صاف یا مانند گوی شیشه‌ای بود، جغرافیا به وجود نمی‌آمد. در تمام شاخه‌های جغرافیا از ژئومورفولوژی تا جغرافیای فرهنگی، تفاوت‌های طبیعی (پستی و بلندی) یا انسانی (تنوعات فرهنگی) مورد بررسی است. به علاوه، جغرافیا شناخت و درک نسبتاً جامعی از محیط پیرامون به دست می‌دهد که در سایر علوم نمی‌توان به درکی همانند نوع جغرافیایی آن دست یافت. علوم همانند اقتصاد، سیاست، فیزیک، شیمی و غیره تنها بخش خاصی از پدیده‌ها، عوارض انسانی و طبیعی را مطالعه می‌کنند؛ درحالی‌که جغرافیا با شناختی کامل‌تر این پدیده‌ها را مطالعه کرده و تصمیم‌های مناسب و برنامه‌ریزی جامعی برای حل مشکلات و ایجاد توسعه در جامعه ارائه می‌دهد. جغرافیا مطالعه پراکندگی‌هاست و براساس نظرات مارت^۲ این تعریف ابزار اصلی جغرافیا یعنی نقشه را به ذهن متبادر می‌سازد.

جغرافیا نسبت به سایر علوم ویژگی‌های خاصی دارد. تمام فرایندهای علمی مورد مطالعه در سایر علوم با نگاهی متفاوت و خاص در جغرافیا مطالعه می‌شود. این

1. Jean Gottman

2. Mart

فرایندها در مقیاس‌های گوناگون در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. در جغرافیا، مقیاس به دو شکل کارتوگرافیکی و تحلیلی مطالعه می‌شود. همچنین جغرافیا علم مکان‌هاست و به موقعیت‌های گوناگون از ریاضی (مطلق) و نسبی و نیز ویژه و عمومی توجه دارد؛ این علم به تفاوت‌های فضایی می‌پردازد. گفته می‌شود که هیچ مکانی شبیه مکان دیگر نیست؛ ژوهانسبورگ با توکیو فرق می‌کند و تهران همانند لس‌آنجلس نیست. اجماع نظر اصلی تمام جغرافی‌دانان بر یک موضوع در خصوص تعریف علم جغرافیا وجود دارد و آن رابطه متقابل انسان و محیط است.

براساس غریزه انسانی مربوط به شناخت و از زمانی که انسان پا بر این کره خاکی نهاد و قطعه‌ای از زمین را برای کشاورزی و دامداری یا فعالیت‌های اقتصادی دیگر اشغال کرد، رابطه مستقیمی بین انسان و زمین شکل گرفت. این رابطه مستقیم در جوامع مساوات طلب (بدون وجود طبقات اجتماعی و همراه با برابری انسان‌ها) پررنگ‌تر بود و اغلب طبیعت را مادر انسان می‌شناختند. نیاز به شناخت مکان زندگی خود و نیز غریزه و علاقه مربوط به شناخت مکان‌های دوردست یعنی فراتر از کوه‌ها و دریاهای سرزمین و مکان خویش زمینه شکل‌گیری دانش جغرافیا را فراهم ساخت. محیط، مکان، فضا، ناحیه، منطقه، نقشه، مقیاس، موقعیت، لایه زندگی و غیره از جمله عناصر اصلی مورد مطالعه در دانش جغرافیا هستند.

در نهایت باید بیان کرد که جغرافیا علمی کاربردی و شناخت ناشی از آن، شناخت بهتر و مناسب‌تری است؛ گرایش‌های گوناگون جغرافیا اطلاعات و داده‌های مناسبی را برای جغرافی‌دانان فراهم می‌کند و آن‌ها براساس شناخت و تجربه خود با تصمیم‌گیری به موقع و مناسب اغلب توسعه، رفاه و نظم را برای جامعه و محیط به وجود می‌آورد.

۲-۱ جغرافیای فرهنگی^۱

جغرافیای فرهنگی شاخه‌ای از جغرافیای انسانی است. این بخش از دانش جغرافیا به مطالعه محصولات و هنجارهای فرهنگی و گوناگونی‌های آن در مکان‌ها و فضاهای مختلف می‌پردازد. این شاخه از جغرافیا به تحلیل و توصیف زبان، مذهب، اقتصاد، دولت و دیگر پدیده‌های فرهنگی می‌پردازد که به صورت دائمی و ماندگار باقی می‌مانند

و مواردی را مدنظر قرار می‌دهد که از مکانی به مکان دیگر فرق کرده و به بررسی چگونگی عملکرد انسان به صورت فضایی توجه می‌کند. موضوعات مورد مطالعه در جغرافیای فرهنگی بسیار وسیع است.

جغرافیای فرهنگی نظام علمی ویژه‌ای است که در آن توجه جغرافی‌دانان اغلب به ریشه فرهنگی اشیاء، پدیده‌ها و فرایندهاست که از این طریق می‌توان سیمایی کلی از چشم‌اندازهای جغرافیایی ایجاد کرد؛ بنابراین چشم‌انداز جغرافیایی بدون مطالعه در فرهنگی که در ساخت و پرداخت آن دخالت مؤثر دارد، قابل تشریح و توجیه نیست؛ به بیانی دیگر با نگرشی در تاریخ و پراکندگی تمدن‌ها، می‌توان نقش فرهنگ‌های سازنده و خلاق را در تکوین و شکل‌یابی جوامع دریافت. حال این سؤال مطرح است که ماهیت جغرافیای فرهنگی چیست؟ به چه کار می‌آید؟ و سود و ثمر آن کدام است؟ جغرافیای فرهنگی در جریان زمان و با توجه به سیر تکامل پدیده‌های جغرافیایی و فرهنگی به منشأ تکوین تمدن‌های نامشابه پراکنده در کره زمین پی می‌برد. برای مثال با تعقیب مسیر مهاجرت گیاهان و محصولات کشاورزی و انتقال تکنیک‌های کشاورزی از قاره‌ای به قاره دیگر می‌توان به این نکته پی برد که چه‌بسا منشأ تمدن‌های عالی کنونی از کانون‌های کوچک اجتماعی دیگر قاره‌ها باشد که در تماس با محیط جدید انعکاس‌ها و تراوش‌های خاصی از خود نشان داده‌اند. همین مطالعه این امکان را می‌دهد که بدانیم چرا مزرعه‌داران اروپایی هنگام استقرار در جنوب اتازونی (ایالات متحده) برای سازگاری با محیط جغرافیایی جدید، تقریباً از کشت و توسعه گیاهان شناخته‌شده در اروپا دست شسته و خود را با کشت گیاهان بومی هماهنگ کردند و بدین‌سان تغییراتی در عادات آنان به وجود آمد؛ اما این سازگاری یکسره در جهت ترک سنت‌های کشاورزی اروپایی نبوده، بلکه تمدن خاصی از تأثیر متقابل محیط و تکنیک‌های انتقالی به وجود آمد که به مدد آن محصولات بومی (ذرت به جای گندم) با فنون اروپایی (استفاده از نیروی حیوانی به جای نیروی انسانی در کشت) بهره‌برداری شد و اروپاییان هرگز مانند بومیان در توسعه باغ‌ها و کشت مزارع به کار پر مشقت زراعی تن ندادند (فرید، ۱۳۷۴: ۳۶).

جغرافیای فرهنگی منحصر به تحقیق در ریشه و منشأ تمدن‌ها از طریق نقل و انتقال گیاهان قابل کشت و فنون زراعی مربوط به آن‌ها نیست، بلکه در محیط‌های شهری نیز با تعقیب مداوم مراحل تکامل پدیده‌ها در زمان می‌توان به منشأ تکوین

چشم‌اندازهای فرهنگی جوامع شهری رسید و چگونگی برتری بافت شهرها را در آمریکا به جای غلبه و نفوذ تمدن اروپایی از نیمه دوم قرن شانزدهم بدین‌سو با کمک نقشه‌هندسی دید.

جغرافیای فرهنگی در این سازندگی برای «اختیار و اندیشه انسان» جایگاه و مزیت خاصی قائل است تا بافت و ساخت چشم‌اندازهای فرهنگی را در بستر تاریخ و سیر زمان مطالعه کند. محیط در جغرافیای فرهنگی در معنای خاص کلمه مطالعه نمی‌شود، بلکه حالات همبسته و متوالی پدیده‌های جغرافیایی مورد ارزیابی دقیق قرار می‌گیرد که در تکوین و تکامل خود از فرهنگ‌های قومی و ملی تغذیه کرده و بالمآل به تباین بهره‌برداری نواحی منتهی شده‌است. جغرافیای فرهنگی تغییرات مداوم سازمان‌های ساخته‌شده و شکل‌گرفته به دست انسان را بررسی و عدم ثبات و شکنندگی آن‌ها را در زمان تعقیب می‌کند و اهمیت تکنیک را در تحول و ناستواری تمدن‌ها و اثر آن را در تغییر و تکامل افکار، اندیشه و زندگی انسان‌هایی دوران معاصر نشان می‌دهد (فرید، ۱۳۷۴: ۳۸).

همچنین، جغرافیای فرهنگی شاخه‌ای از جغرافیای انسانی است که ویژگی‌های فرهنگی یک سرزمین، تأثیر فرهنگ مادی و معنوی (غیرمادی) انسانی بر محیط‌زیست و اثرات سازمان‌های انسانی بر فضاها و مکان‌های جغرافیایی را مورد مطالعه علمی قرار و با روش‌های علمی به چرایی، چگونگی و علل این اثرات پاسخ می‌دهد.

بنابراین جغرافی‌دان فرهنگی با مطالعه دقیق جوامع فرهنگی گوناگون علاوه بر شناخت فرهنگ‌ها که در درازمدت به شکل رفتارهای انسانی، سبک زندگی و... تجلی یافته‌است، به آثار و پیامدهای فضایی و مکانی آن‌ها در بستر جغرافیا می‌پردازد.

چنین مطالعه‌ای مبتنی بر مبانی تئوریک، آگاهی از مسائل و روش‌های علمی نیازمند دو مورد است:

۱. شناخت کافی از برخی مفاهیم اساسی و کلیدی در جغرافیای فرهنگی همچون: فرهنگ^۱، تغییر فرهنگی^۲، بوم‌شناسی فرهنگی^۳، چشم‌انداز فرهنگی^۴، تنوع فرهنگی^۵،

ویژگی‌های فرهنگی^۱، تمدن^۲، جوامع فرهنگی^۳، اشاعه فرهنگی^۴، ناحیه فرهنگی^۵، محیط^۶ (برخی از این مفاهیم در فصل دوم بیان می‌شود)؛
 ۲. مطالعات میان‌رشته‌ای و شناخت علمی سایر حوزه‌های مرتبط و هم‌جوار نظیر علوم اجتماعی، علوم سیاسی، اقتصاد، جغرافیای انسانی، انسان‌شناسی فرهنگی^۷، تاریخ و جغرافیای تاریخی، روانشناسی اجتماعی، باستان‌شناسی، معماری.
 بسیاری از مطالعات در جغرافیای فرهنگی شامل یک یا چند مورد از موضوعات زیر است:

۱-۲-۱ رشد و افزایش بهره‌برداری انسان از زیستگاه (بوم)

مطالعه نحوه استفاده انسان از محیط‌زیست خود، عناوینی چون به‌کارگیری ابتدایی ابزارها و وسایل، اهلی کردن حیوانات و بهره‌برداری از گیاهان و اقتصادهای (نحوه مصارف) گوناگون تولیدات غذایی را در برمی‌گیرد. توسعه و پیشرفت و اختراع انسانی هر دو ابعاد جغرافیایی دارند که از وقایع خاصی در مکان‌های خاص تشکیل شده‌اند.
 توجه جغرافی‌دان به توزیع و آرایش فضایی پدیده‌ها و کیفیت بوم، او را برای مشارکت در بازساخت گذشته و پیشینه بشر و فهم شرایط حال واجد شرایط می‌کند. علاقه جغرافی‌دان فرهنگی به گذشته با پیدایش انسان آغاز می‌شود و با استفاده و به‌کارگیری تجهیزات فرهنگی نوین به جستجو و کاوش خویش در محیط‌های جدید تداوم می‌یابد.

تاریخ، جغرافیای فیزیکی (طبیعی)، باستان‌شناسی و مشاهدات منطقه‌ای، مواد اولیه جدیدی را برای تحقیق در این زمینه فراهم می‌کنند. باستان‌شناسی و تاریخ با محدودیت‌های اطلاعاتی خاص خود به‌صورت منابع و اسناد ناقصی باقی خواهند ماند. جغرافیای فرهنگی اغلب سؤالاتی را مطرح می‌کند که به‌ندرت می‌توان برای آن‌ها پاسخی شایسته و درخور یافت؛ بنابراین بسیاری از فصول اولیه رشد بشریت نهایتاً نظریه‌پردازی‌هایی بیش نیستند که ممکن است غیرقابل اثبات باقی بمانند.

-
1. Cultural Traits
 2. Civilization
 3. Cultural Communities
 4. Cultural Diffusion
 5. Culture Areas
 6. Environment
 7. Cultural Anthropology

۲-۲-۱ تغییرات فیزیکی ایجادشده از سوی انسان در سطح زمین

پیشرفت مادی انسان اثراتی را روی زمین محل فعالیت او برجای می‌گذارد. این تغییرات فیزیکی، نتیجه و محصول ناخواسته انسان در استفاده از زمین است. زراعت و برداشت بیش از توان زمین موجب فرسایش خاک می‌شود؛ نگهداری و چرای حیوان روی زمین و سوزاندن (پس از برداشت محصول) منجر به غنی‌سازی خاک در نزدیک زیست‌گاه انسان و تغییرات گیاهی می‌شود. برخی از این تغییرات مانند از بین بردن درختان جنگل یا پلکانی کردن دامنه تپه برای کشاورزی تعمّدی هستند؛ فعالیت‌های انسان و طبیعت از چنان بُعد زمانی و به هم پیوستگی برخوردارند که جدا شدنی نیستند.

۳-۲-۱ قالب‌های اسکان (نوع و شکل سکونتگاه‌های) شهری و روستایی

قالب‌های اسکان قسمت اعظمی از ویژگی‌های چشم‌انداز انسان ساخت را تشکیل می‌دهند. مطالعه نوع سکونتگاه روستایی، عمدتاً با نوع، ترتیب و آرایش خانه‌ها و دیگر ساختارهای مرتبط با یکدیگر و همچنین شبکه جاده‌ها و پراکنش و ترتیب مزارع سروکار دارد.

۴-۲-۱ فرهنگ غیرمادی مانند زبان و مذهب

زبان موثق‌ترین ردیاب قومی محسوب می‌شود، زیرا انتخاب اختیاری کلمات از خزانه‌ای وسیع، تکرار تصادفی را بعید می‌سازد. به علاوه، زبان به عنوان ابزار و اثر گفتگو، سازنده و محصول انسجام گروهی و در نتیجه فرهنگی است. تحلیل زبان‌ها و پراکندگی آن‌ها معمولاً وظیفه متخصص (زبان‌شناسی) است، اما از نتایج آن به طور گسترده‌ای در جغرافیا استفاده می‌شود. موضع‌نگاری (توپونیم)^۱ از اجزای سازنده زبان‌اند که بسیار به جغرافیا نزدیک هستند.

مذهب نیز به عنوان یکی از شاخص‌های ماندگاری اقوام مختلف، نهادی اجتماعی با ساختار فضایی چشمگیر و شکل‌دهنده چشم‌انداز فرهنگی است. جغرافیا با مذهب از جهات بسیاری سروکار دارد و از توزیع مذاهب در نواحی مختلف گرفته تا ارائه جلوه‌ای از نظم و قانون در مناظر و چشم‌اندازهای مختلف را دربرمی‌گیرد (احمدی، ۱۳۸۴: ۱).

ارزیابی فرهنگی از مکان‌های جغرافیایی: در این قسمت مسائلی نظیر چگونگی عملکرد انسان با منابع طبیعی خود مورد توجه قرار می‌گیرد و در این راه حدود فناوری انسان در بهره‌مندی و نگهداری از منابع طبیعی معلوم می‌شود.

مطالعه و بررسی منشأ و پراکندگی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها: رابطه آن‌ها با عوامل جغرافیایی بخش دیگری از جغرافیای فرهنگی را تشکیل می‌دهد (شکویی، ۱۳۷۸: ۶۲). در سال ۱۹۶۲ واگنر و میکسل^۱ از پیشگامان تأثیرگذار در جغرافیای فرهنگی، اساس جغرافیای فرهنگی را در پنج موضوع عمده مطرح کردند:

- مفهوم فرهنگ؛
- قلمروهای فرهنگی؛
- چشم‌اندازهای فرهنگی؛
- تاریخ فرهنگی؛
- بوم‌شناسی فرهنگی.

در سال ۱۹۷۳ اسپنسر و توماس^۲ مباحث جغرافیای فرهنگی را به شرح زیر پیشنهاد کردند:

- جمعیت و محیط؛
- جمعیت و سازمان اجتماعی؛
- جمعیت و فناوری؛
- سازمان اجتماعی و فناوری؛
- محیط طبیعی و سازمان اجتماعی؛
- محیط طبیعی و فناوری؛

با توجه به مفهوم انسان و محیط در جغرافیای کلاسیک، از دهه ۱۹۷۰ به بعد، چند مفهوم و قلمرو اساسی در تمام آثار جغرافیای فرهنگی به چشم می‌خورد:

۱. چشم‌انداز^۳؛
۲. اکوسیستم^۴ (نظام اکولوژیک)؛
۳. فرایندهای تکاملی؛

1. Wagner and Micxel
 2. Herbert Spenser and Thomas
 3. Landscape
 4. Ecosystem

۴. کارکرد اجتماعی قدرت؛
۵. شیوه زندگی؛
۶. اقتصاد سیاسی؛
۷. کارکرد عامل فرهنگ در ناحیه؛
۸. امپریالیسم فرهنگی و چشم‌اندازها؛
۹. چشم‌انداز به‌منزله یک متن (شکویی، ۱۳۸۲: ۲۰۸-۲۰۷).

اما در جغرافیای فرهنگی دو رویکرد وجود دارد: مورد اول، جغرافیای فرهنگی کلاسیک هم‌معنا و برابر با مکتب چشم‌انداز بود که تا حدودی به گروه فرهنگی و چشم‌انداز ساخته‌شده به‌وسیله آن توجه می‌کرد؛ مورد دوم به پیشرفت‌های جدید از نظر موضوعی در بخشی از جغرافیا تحت نام جغرافیای فرهنگی نو است که اغلب به مباحث هویت فرهنگی مرتبط می‌شود (Norton, 2005: 2).

۳-۱ ارتباط با دیگر حوزه‌های علمی

در حوزه‌های علمی گوناگون مباحثی مشترک و هم‌پوشان، روش‌شناسی همسو و حتی مبانی نظری و تئوریک وجود دارد که آن‌ها را در مطالعات خود به‌هم نزدیک می‌کند؛ بنابراین برای بررسی دقیق‌تر رابطه جغرافیا و فرهنگ باید با موضوع اصلی، مبانی نظری و روش کار حوزه‌های علمی نزدیک به جغرافیای فرهنگی نظیر تاریخ، انسان‌شناسی و حتی باستان‌شناسی آشنایی و احاطه کافی داشت.

فرهنگ موضوع اصلی انسان‌شناسی فرهنگی است. اساس مطالعات تاریخ بر زمان و فرایندهای زمانی متمرکز و موضوع دانش جغرافیا نیز بر مکان استوار است (احمدی، ۱۳۹۱: ۱). جغرافیای تاریخی بخشی از جغرافیاست که به جغرافیای فرهنگی نیز بسیار نزدیک است. این دو یکدیگر را در جغرافیای تاریخی و فرهنگی تکمیل می‌کنند که در آن تاریخ، تبیین و تفسیر فرهنگ و نیز فرهنگ، مفهوم سازمانی برای موضوعات مهم جغرافیایی مورد علاقه در تاریخ را فراهم می‌آورد؛ اما جغرافیای تاریخی می‌تواند مستقل باشد، زیرا اغلب در محدوده مفهوم فرهنگی قرار ندارد. از سوی دیگر، فرهنگ همواره برای تبیین و تفسیر مفاهیم به گذشته وابسته است.

جغرافیای اقتصادی و فرهنگی راه‌های جداگانه‌ای در پیش دارند؛ به‌طوری که یکی از آن‌ها عمدتاً برای توضیحاتش به قوانین اقتصادی و دیگری به الگوهایی از گذشته متکی است؛ اما سیستم کلی قوانین اقتصادی ممکن است مجموعه فرهنگی پیچیده‌ای باشد که تا حدودی به‌طور تصادفی توسعه یافته و در لابه‌لای تارهای غیرقابل فرار قانون جهانی گرفتار نیست، حتی در بازار اقتصادی، حضور فرهنگ در نوسان قیمت تأثیر دارد. داخل نهادهای جدید اقتصاد متغیر، تولیدات و انواع مؤسسه‌ها تولید و منتشر می‌شوند که حاکی از ویژگی‌های فرهنگی آن‌هاست. از طرف دیگر، قوانین اقتصادی مرتبط نیز لزوماً بخشی از تفاسیر فرهنگی اند؛ بنابراین جغرافیای فرهنگی و اقتصادی در دیدگاه‌های کلی از دو حوزه به یکدیگر ملحق شده‌اند.

جغرافیای سیاسی مانند جغرافیای اقتصادی با نظم مستقل قوانین خاص خود و سیستمش، کارکردهای عنوان‌شده را برآورده می‌کند و حمایت می‌شود. یک ملت نمایانگر یک عقیده است، ریشه و خاستگاهی داشته و قدرت آن را تا فراسوی مرزهای سرزمین اشاعه داده‌است. عقیده کلی یک ملت، مفهوم فرهنگی است که خاستگاهی دارد و به‌نظر می‌رسد این اعتقادات در حال گسترش به سراسر مناطق سطح زمین است. همچنین، در تعریف ملت اغلب به موارد و معیارهای مشترکی اشاره می‌شود که یکی از آن‌ها وجود فرهنگ مشترک است. این فرهنگ مشترک برای برخی از ملت‌ها زبان (فرانسوی‌ها)، برای عده‌ای نژاد (آنگلوساکسون) و برای عده‌ای دیگر آداب و رسوم (سوئیس) است. ممکن است حتی در برخی موارد اختلافاتی در سایر جنبه‌ها داشته باشند و عاملی مثل آداب و رسوم آن‌ها را به هم گره زند (احمدی، ۱۳۹۱: ۱)؛ یعنی در میان عوامل تعیین‌کننده ملیت، عناصر فرهنگی از نقش مؤثری برخوردار است.

۴-۱ سیر تاریخی جغرافیای فرهنگی (جغرافیای فرهنگی کلاسیک)

گرچه ردپای اولیه مطالعات مربوط به تفاوت ملت‌ها و فرهنگ‌ها در روی زمین می‌تواند به زمان جغرافی دانان دوران باستان مثل بطلمیوس و ایباربو^۱ بازگردد، اما جغرافیای فرهنگی به شکل یک مطالعه علمی و دانشگاهی ابتدا در پاسخی به نظریه جبر جغرافیای ظهور کرد. نسخه‌های گوناگون جغرافیای فرهنگی توسط محققانی از هر چهار گوشه

1. Ptolemy and Victor Ibarbo

جهان از گذشته تا اکنون نوشته شده است (Benko and Strohmayer, 2004: 15). در طی تاریخ، رویکردهایی نسبت به این موضوع وجود داشته است:

۱. در طول تاریخ و در زمانی که کره زمین به عنوان محل سکونت انسان در یونان باستان، روم، اروپای مسیحی و میان مسلمین مطالعه می شد؛ مرکز دیگری برای مطالعه جغرافیا در جهان وجود داشت که چین بود. از حدود قرن دوم قبل از میلاد تا قرن پانزدهم میلادی مردم چین بیش از هر مردم دیگری روی زمین از استانداردهای بالای زندگی برخوردار بودند. چینی ها دیدگاه های خاصی در مورد طبیعت داشتند: از نظر آن ها نه تنها فرد از طبیعت جدا نیست، بلکه جزئی از طبیعت است. دیدگاه های چینی ها در مورد هستی، بهشت و جهنم فضای ویژه ای را از بُعد فرهنگی آفرید که اغلب ناشی از تعالیم کنفوسیوس^۱ بود. آن چه به بخش فرهنگی در این دانش مربوط است، این است که کارهای ناحیه ای و توصیفی از فرهنگ های مختلف طی سفرها و اکتشافات مختلف به چاپ رسیده و اغلب از سوی پادشاهان چینی مورد حمایت قرار گرفته است. به علاوه، رهبران مذهبی و راهبان چینی طی سفرهایی به تبت و هند سعی در کسب اطلاعات و ترسیم فرهنگ مناطق مختلف در کتاب و گزارش های خود شده اند. بدین ترتیب نوع خاصی از توصیف چشم اندازها در ادبیات جغرافیایی چینی وجود داشته است. مثلاً، تمدن خاورمیانه توسط چانگ چی یین^۲ کشف شد. راهب بودایی به نام هسوان تسانگ^۳ کاشف هند بود. فرد دیگری به نام آی چینگ^۴ نیز در سال ۶۷۱ میلادی ده هزار نسخه از خط سانسکریت را به زبان چینی ترجمه کرد. همچنین یکی از مهم ترین کارها در بحث جغرافیا مربوط به چنگ هو، سرهنگی چینی در سال ۱۴۰۵ تا ۱۴۳۳ میلادی بود. وی حتی به خلیج فارس، دریای سرخ و ساحل شرقی آفریقا دسترسی یافت و کشتی هایی به سواحل استرالیا فرستاد. مهم ترین نوشته های چینی ها در زمینه جغرافیا در موارد زیر خلاصه می شود:

➤ مطالعات مردمی یا جغرافیای انسانی؛

➤ توصیفات منطقه ای چین؛

➤ توصیفات کشورهای بیگانه؛

➤ شرح مسافرت ها؛

1. Confucius

2. Chang Chien

3. Hsuan Tsang

4. I-Ching